

## امیر کبیر



\* بیستم دی ماه سال روز کشته شدن امیر کبیر است. او که یکی از فرزندان شایسته و میهن دوست ایران بود، به فرمان ناصرالدین شاه قاجار کشته شد.

\* نام او محمد تقی فراهانی می بود. او یکی از فرزندان شایسته و ارزشمند سرزمین ما، ایران، بود. کشته شدن او در ایرانزمین یکی از ننکین ترین رخدادهای تاریخی کشورمان می باشد.

\* امیرکبیر یکی از بزرگترین مردان سیاسی ایران و فرزند کربلایی محمد قربان فراهانی بود. امیرکبیر به هنگام زاده شدن، تقی نامیده شد. او در یکی از روستاهای دور افتاده ی اراک که فراهان نامیده می شد، چشم به جهان گشود.

پدرش در خانه ی قائم مقام آشپز بود. تقی همسال فرزندان قائم مقام بود. تقی که تشنه ی آموختن بود با نشست و برخاستی که با فرزندان قائم مقام داشت، توانست در زمانی کوتاه شایستگی و هوش شایان خود را بنمایاند و بالا برافرازد.

\* پس از مرگ محمد شاه زمانی که ناصرالدین میرزا از تبریز راهی تهران شد، این میرزا تقی خان امیر نظام (امیرکبیر) بود که سرپرستی اینکار را به گردن گرفت و با کاردانی آن را به انجام رسانید.

ناصرالدین میرزا پیش از رسیدن به شهر، برنام (لقب) اتابک اعظم را پیشکش میرزا تقی خان کرده و او را به نخست وزیری برگزید.

- برنام های (القاب) امیرکبیر ؛

کربلایی محمد تقی - میرزا محمدتقی خان - مستوفی نظام - وزیر نظام - امیر نظام - امیرکبیر- امیر اتابک اعظم.

\* در تاریخ سرزمینمان ایران، میرزا تقی خان فراهانی با برنام امیرکبیر بزرگترین مرد سیاسی ایران بود.

- امیرکبیر کارهای ارزنده ی بسیاری کرد که در اینجا از یکی دو تای آنها نام برده می شود.

- امیرکبیر در زمان بسیار کوتاهی با نشان دادن شایستگی به کارهای سیاسی و فرهنگی مهینی (مهمی) دست زد.

\* **امیرکبیر** هنگامی که به نخست وزیری برگزیده شد، به خوبی از کم و کاستی های دانشی و سازمان های فرهنگی آگاهی داشت. او می دانست که اگر جوانان ایران بخواهند بهره ای از دانش زمان خود داشته باشند، یا می باید آنان را به کشورهای اروپایی فرستاد و یا شماری آموزگار اروپایی به ایران فراخوانده شوند. او بر این باور بود؛ به جای اینکه بیست جوان به اروپا فرستاده شوند، اگر چند آموزگار از اروپا به ایران فراخوانده شوند، دویست جوان آموزش خواهند دید.

- **امیرکبیر** هنگامی که نخست وزیر بود **دارالفنون** را برپا کرد.  
- باید یادآور شد، هنگام گشایش **دارالفنون** و آغاز کار آن **امیرکبیر** از نخست وزیری برکنار و به کاشان فرستاده شده بود. هر چند که جانشینش **میرزا آقاخان نوری** با گشایش **دارالفنون** سر سازگاری نداشت، ولی **دارالفنون** کار خود را دنبال کرد.

- **امیر کبیر** کارهای پر ارزش دیگری هم انجام که یکی از آنها راه انداختن و پخش روزنامه ی **وقایع اتفاقیه** بود.  
- **امیرکبیر** شورش هایی را که در گوشه و کنار کشور برپا شده بود، خوابانید.  
- **امیر کبیر** توانست بر لبان شورشیان مهر خاموشی بزند. شورشیانی که به سرکردگی کزمنشانی سودجو سر بلند کرده بودند.  
- **امیرکبیر** در زمانی که نخست وزیر بود به ستیز با رشوه خواری برخاست. او دستور داد پرداختی های نابجا از دستگاه های دولتی به کسانی که شایستگی آن را ندارند بریده شود. وی ماهانه ای را که به شاه پرداخت می شد، کم کرد و به دو هزار تومان رسانید. او دستمزد کلانی را که **حاجی میرزا آقاسی** دریافت می کرد، بُرید.  
- **امیرکبیر** در سال ۱۲۶۷ فرارفتی ماهی (هجری قمری) پیک (پست) خانه ای، برای نگهداری از بسته ها برپا کرد.  
- **امیرکبیر** دستور داد پلی بر روی رودی میان رود **قره چای** و **انار در گم** (قم) بسازند.

\* خواهی نخواهی آن سر و سامان دادن ها، بسیاری را خوش نیامد. مردان سیاسی، درباریان و نمایندگی های دیگر کشورها (سفارتخانه های خارجی). این ها و گروه های ناخشنود دیگری که می خواستند بی رنج به گنج برسند، از همان آغاز سر ناسازگاری با **امیرکبیر** را برداشته و اندک اندک توانستند تخم بد گمانی از **امیرکبیر** را در دل **ناصرالدین شاه** بکارند.



سرآرم همه ی دشمنان **امیرکبیر** نامی است پرننگتر از همه. او **مهدعلیا** مادر **ناصرالدین شاه** و مادر زن **امیرکبیر** است.

\* **مهدعلیا** زنی اهریمن خوی بود که جز سود و خواسته ی خود به چیز دیگری نمی اندیشید. او در راه فروانداختن **امیرکبیر** بسیار کوشید. بر کسی پوشیده نیست که او انجام هیچ دسیسه ای را فرو نگذاشت و هرگز از پای ننشست و تا کشته شدن **امیرکبیر** یک دم آرام نگرفت.

- **مهدعلیا** زنی سیاسی بود. به هنگام پادشاهی همسرش ( **محمدشاه** ) که هم بیمار بود و هم خوی و خیم درویشی داشت، در پس پرده در کارهای کشوری، مانند برکناری و یا بر سر کار گذاشتن مردان سیاسی دیدگاه های خود را به شاه می پذیراند.

\* **مهدعلیا** برای رسیدن به خواسته هایش از هیچ کاری رویگردان نبود.

- او از سویی امید داشت پسرش شاه بشود. از سوی دیگر بر این باور بود که پسرش در برابر سخنان او سخنی نخواهد گفت.  
- از این روی وی از اینکه با همه ی کوشش هایش نتوانسته بود از نخست وزیر شدن **امیرکبیر** پیشگیری کند، بسیار برآشفته بود.  
- او **امیرکبیر** را همانند دیواری استوار و بلند اندیشی شایسته سالار در برابر خود می دید  
گویند **مهدعلیا** برای رسیدن به خواسته هایش تا جایی پیش رفته بود که برای **امیرکبیر** دلبری هایی هم می کرده که دست آوردی نداشته و همین پایه و مایه ی خشم بیشتر او شده است.  
- از آنجا که **ناصرالدین شاه** دلبستگی ویژه ای به **امیرکبیر** داشت، فرمان داد تا خواهرش، **عزت ملک خانم** به همسری او در آید. ولی همین خویشاوندی نیز نتوانست از دشمنی **مهدعلیا** با **امیرکبیر** بکاهد.

- آن مغز فرسودگانی که دلپایشان از کینه آکنده، لب هایشان از بیم خاموش و بسته، چشم هایشان بینا و گوش هایشان شنوا، ولی زشتی کار همچنان برایشان ناپیدا بود، توانستند با زیرکی و یواشکی، شاه ناخرد را بفریبند.  
\* سرانجام کوشش های شبانه روزی **مهدعلیا**، چه در اندرون و چه در بیرون از دربار، برای سرنگونی **امیرکبیر**، کارساز شد.  
- **مهدعلیا** با پیوندهایی که با نمایندگی (سفارت) **انگلیس** و کسانی مانند **میرزا آقاخان نوری** داشت، و آموزش هایی که از آنان می گرفت، توانست، در دل شاه نادان و ناآگاه ترسی بیندازد.  
- و ... و ... شاه **امیرکبیر** را از نخست وزیری برکنار کرد.

- **شاه در تاریخ ۲۰ آبان ماه ۱۲۲۰ برای امیرکبیر چنین می نویسد :**  
« چون صادرات عظمی و وزارت کبری زحمت زیاد دارد و تحمل این مشقت برای شما دشوار است، شما را از آن کار معاف کردیم.  
باید به کمال اطمینان مشغول امارت نظام باشید. »

\* **مهدعلیا** و دیگر پتیاران که با **امیرکبیر** سرناسازگاری داشتند، به این بسنده نکرده و دسیسه بازی های خود را دنبال کردند.  
- آنان به دروغ، در گوش شاه خواندند که **امیرکبیر** می خواهد به سفارت **روسیه** پناهنده شود.  
- از این سخن پراکنی ها، شاه بیمناک شده و همه ی کارهایی را که به **امیرکبیر** واگذار کرده بود، از او گرفت.  
- یک یا دو روز پس از آن فرمان، **امیرکبیر** با مادر و همسر و فرزندان راه **فین کاشان** را در پیش گرفت.  
هر چند باید افزود که **شاه** و **مهدعلیا** با این کار **امیرکبیر** ناهمراه بودند.

\* با آنچه که گذشت و **امیرکبیر** از همه ی کارهایی که داشت برکنار و از پایتخت به دور شده بود، ولی دشمنان او باز هم ترس و نگرانی داشتند که **امیرکبیر** دوباره به پایتخت برگردد. از اینرو نخشه ی کشتن او را کشیدند.

\* **مهدعلیا** و **میرزا آقا خان نوری** هر دو به خویی می دانستند که گرفتن فرمان کشتن **امیرکبیر** از **ناصرالدین شاه** ناشدنی است. از اینرو **مهدعلیا** در پی پیدا کردن زمانی بود که بتواند اینکار را انجام دهد.  
- تا اینکه چهل روز پس از رفتن **امیرکبیر** به **کاشان** در شب زناشویی **علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه** با **سلطان خانم**، در هنگامی که **ناصرالدین شاه** از خود بیخود شده بود، **مهدعلیا** توانست فرمان کشتن **میرزا تقی خان امیرکبیر** را بگیرد.  
- این فرمان به **علی خان حاجب الدوله فراش باشی** نوشته بود.  
- شاه نیمه های شب به خود می آید. می خواهد فوری **حاج علی خان** را ببیند و فرمان را برگرداند، ولی به او گفته می شود که **حاج علی خان** برای انجام فرمان شاهانه در راه **کاشان** است.

\* هنگامی که **علی خان فراش باشی** به **کاشان** می رسد، **امیرکبیر** در گرمابه بود.  
- کارگزاران دولتی، همه ی درهای گرمابه را می بندند تا کسی نتواند رفت و آمد کند.  
- **امیر** در گرمخانه ی گرمابه در اندیشه های خود فرو رفته بود که به یکباره درون شدن آدمکشان شاه را می بیند.  
- **علی خان** با گستاخی هر چه بیشتر به **امیرکبیر** می گوید برای مرگ آماده شود.  
- **امیرکبیر** از آنها می خواهد که چگونگی انجام کار را خود او برگزیند.  
- **امیرکبیر** در میان گرمخانه می نشیند و دستور می دهد دو رگ بازوی وی را ببرند. سپس دو دست را روی زمین می گذارد تا خون از آن ها فواره بزند.  
- پس از گذشت زمانی کوتاه **علی خان** به آدمکش دیگری دستور می دهد تا آبچینی (حوله) در دهان **امیرکبیر** فرو کند تا نتواند دم برآورد.

\* بدینگونه با کینه توزی ها و دسیسه های بسیارانی، از آن میان **مهدعلیا**، مادر **ناصرالدین شاه**، ایرانزمین یکی از بهترین فرزندان گرانسنگ و شایسته ی خود را از دست داد.

\* آن خدیو (خداوند) بلند آوازه برای همیشه در دل و جان ایراندوستان جای دارد.  
- به جایش در چم و خم کوچه پس کوچه های سرزمین، همچنان فریادهای خاموش و نفرین همگان بر لب و دهان میهن دوستان

روان است.

\* پیکر پاک این فرزند شیر پاک خورده ی ایرانزمین در شهر کربلا به خاک سپرده شده است.

نویسنده و گردآورنده : ژاله دفتریان

دی ماه ۲۵۸۱ ایرانی

ژانویه ۲۰۲۲ ترسایی